

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: "عاشورا، تجلی ادب رحمانی" با محویت به خطرافتادن تحکیم پیوند های مقدس در آخر الزمان

سخنران: حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر عالی (دامت برکاته)

سلام عرض می کنم خدمت عزیزانی که بیننده و شنونده این برنامه هستند ان شاءالله که بتوانیم ایام عزاداری اباعبدالله(ع) را که امسال متفاوت است، به گونه ای که به هر حال در حد و اندازه ی عزاداری اباعبدالله و به حد بضاعت ما باشد بتوانیم عرض ادب به ساحت مقدس ایشان کنیم و از رزق خاصی که در محرم برای شیعیان فراهم است بهره مند شویم. در رابطه با محرم و عزاداری اباعبدالله و مسئله عاشورا حرف بسیار زیاد هست، خیلی زیاد شنیده ایم و خیلی بیشتر نشنیده و باید بشنویم که به جا است. از ابعاد مختلفی و زاویه های مختلفی، پدیده ای که حقیقتاً ذخیره ی شیعه است، ظرفیتی که خدا تعبیه کرده و تا قیامت قرار است پالایش و تطهیر دینداران توسط دستگاه سیدالشهدا(ع) اتفاق افتد، توسط دستگاه امام حسین انجام شود. به هر حال باید این استفاده های لازم را از این فرهنگ بزرگ ببریم. من موضوعی را می خواهم خدمت شما عرض کنم که به هر حال خدمت خواهران بزرگوار شاید این موضوع به اطلاع رسانده شده باشد و این است که ما در روایات خیلی زیاد در کتب متعدد روایی از پیغمبر اکرم(ص)، از امیرالمؤمنین(ع)، از امام صادق(ع)، از امام باقر(ع) روایت داریم: (یکون حیره و غیبه تضل فیها اقوام) غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که خیلی از مردمان دین را رها می کنند. شیطان در طول تاریخ به خصوص در آخرالزمان بر تجربه ها و آگاهی های او خیلی افزوده شده؛ شیطان از جهتی شبیه انسان قابل رشد است؛ شیطان از جن است و جن مثل انسان ها است. شیطان یک موجود تخیلی نیست یک موجود واقعی است، نقشه دارد، طرح و برنامه دارد، جنود و لشکریان دارد. در بعضی روایات است که اگر سران لشکر او کوتاهی کنند آن ها را گردن می زند. شیطان خستگی ندارد و واقعاً با تمام قوا برای به لغزش کشاندن مؤمنین، شب و روز نمی شناسد. شیاطین به خصوص در رأس آن ها ابلیس خستگی ندارند...

آشیخ مرتضی زاهد انسان عارفی بود، اطرافیان‌ش نقل کردند که مدتی بود که ایشان حالت سردرگمی پیدا کرده بود و ما متوجه حالت ایشان شده بودیم، از او سوال کردیم چه شده آقا؟ چرا پریشان خاطر هستید؟ ایشان گفتند: روایتی از پیامبر خواندم و پریشان شدم که جبرئیل به پیامبر می گوید: ای پیامبر به تعدادی که تو راه بلدی برای هدایت مردم، شیطان هم بلد است، با چنین موجودی که به جان ما افتاده می خواهید من راحت باشم.

این یک واقعیتی است که شیطان در پشت پرده ترفنده های بسیاری دارد که در قرآن ذکر شده است؛ از چیزهایی که در قرآن ذکر شده است، این است که شیطان پیوند های مقدس را مورد حمله قرار می دهد، پیوند های مقدس که محبوب خدا است این ها را مورد هجوم قرار می دهد، باعث گسستن و سست شدن پیوندها و رابطه های محبوب و مقدس می شود؛ پیوند بین زن و شوهر، پیوند بین اعضای خانواده، پیوند بین خواهر و برادر، پیوند بین افراد فامیل، پیوند بین مؤمن با مؤمن دیگر، با دوست، با همسایه، با مسجد، با امام خود ببینید این پیوندهای مقدس است، یکی از مهمترین کارهای شیطان این است که در قرآن کریم هم به این مطلب اشاره شده است (إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ) شیطان بین افراد فساد و کینه درست می کند، کاه را کوه می کند، اختلاف می اندازد و در جای دیگر هست (إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ) شیطان این را می خواهد و اراده کرده است که بین شما دشمنی و بغض و کینه درست کند (أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ) چون شیطان می داند که اگر انسان ها از هم جدا بشوند، تک باشند، خیلی راحت می تواند آن ها را گیر بیندازد.

مقام معظم رهبری یک مثال خیلی زیبا داشتند اینکه کوهنوردها وقتی در کوه های صعب العبور هستند؛ کمر خود را به هم می بندند تا کسی که سقوط کرد تا ته دره نرود؛ چون کمر او بسته شده به دیگران این نگهدارنده او است و برای او بسیار خطرناک نیست برخلاف کسی که تنها و تک شود.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه اشاره به همین مطلب دارند، جمله ی معروفی است شاید شنیده باشید که حضرت امیر (ع) می فرماید: (فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ) دست خدا با جماعت است (و إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ) نکند جدا

بشوید (فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ) کسی که در بین انسان ها تنها می شود او نصیب شیطان می شود کما اینکه گوسفندی که از گله جدا می شود و تک می شود، نصیب گرگ می شود. زندگی هایی که جمعی با هم باشند و با هم زندگی کنند به شدت مورد محبت خدا قرار می گیرند و دست خدا با آن ها است (یدالله مع الجماعه)

شیطان افراد را در غرب تنها کرده است، زندگی های جمعی مورد هجوم قرار گرفته است، هرکسی کلاه خود را گرفته که باد نبرد، در انگلستان وزارتخانه ای به نام " وزارت امور تنهایی " است که خسارات هایی که ناشی می شود از تنها زندگی کردن انسان ها، بتواند آن ها را تا حدی جبران کند. اینکه یک وزارتخانه تشکیل می دهند به معنای این است که معضلی در یک جامعه وجود دارد، یک نیازی در جامعه وجود دارد تصمیم می گیرند که یک وزارتخانه برای آن تشکیل دهند، همین گونه هم هست ۹ میلیون نفر از ۶۵ میلیون نفر انگلیسی ها تنها زندگی می کنند که خودکشی ها، افسردگی ها و... حاصل این مدل از زندگی کردن است.

این تنها زندگی کردن در انگلستان ۳۲ میلیون پوند برای دولت انگلستان هزینه داشت پس برای آن یک وزارتخانه تشکیل دادند.

تنهایی واقعیت تلخ دنیای مدرن است و حاضر هستند با سگ و گربه و حیوانات زندگی کنند ولی با همدیگر نه! در این زمان به خصوص فضای مجازی هم به این تنهایی دامن زده است که حتی برای خرید هم، نیاز به بیرون رفتن و حاضر شدن در اجتماع ندارد، اینترنتی خرید می کنند، فرد گرایی غالب شده است و پیوندهای اجتماعی سست شده است. در انگلستان این اتفاق افتاده و می خواهند همین بلا را بر سر ما نیز بیاورند. با قطع نظر از شرایط کنونی که ویروس کرونا برای ما هم، همه چیز را به سمت مجازی برده است، فضای مجازی خانواده ها را از هم دور کرده است، قبلاً می گفتند: من در میان جمع و دلم جای دیگر است، الان باید بگوئید: بلکه سرم جای دیگر است.

اگر اشتباه نکنم سال ۹۵ بود یک آماری داده بودند که میانگین مصاحبت افراد خانواده در ایران ۱۵ دقیقه است؛ یعنی در شبانه روز یک ربع دور هم هستند و با هم حرف می زنند البته اگر این یک ربع هم باشد!

اکنون همراه اول هرکس، به جای اینکه برادر و خواهر، پدر و مادر باشد، همراه اول او گوشی اوست؛ با گوشی می خوابد و با گوشی بیدار می شود و خیلی با کسی کار ندارد و طبیعتاً اینگونه از هم دور می شوند و آن عرق و علاقه، احساس، غیرت ها و حمیت های آن ها نسبت به همدیگر کم می شود. من کاریکاتوری را می دیدم که به هرحال خیلی گویا بود و نشان می داد که زن و شوهری که روی دوتا صندلی که پشت به هم چسبیده بود، نشسته اند ولی پشت به همدیگر و هر کدام با لپ تاپ خود چت می کنند؛ یعنی کنار همدیگر هستند اما با همدیگر نیستند. شیطان پیوندها را مورد حمله قرار می دهد و بین پیوندها و رابطه های اجتماعی، دو پیوند هست که مهمترین پیوند است؛ یک پیوند، پیوند خانواده است و پیوند دوم، پیوند مؤمنین با امام خود است، با ولی است، با رهبر جامعه است. پیوند اول که پیوند خانواده است، شیطان این را مورد حمله قرار می دهد چون خانواده جایی است که محل تربیت، تربیت سرباز برای دین خدا است، محل تربیت سرباز برای ولی خدا است، در پروتکل های صهیونیست ها کتاب " پروتکل های دانشوران صهیون " که آستان قدس رضوی چاپ کرده است، خیلی کتاب خواندنی است؛ در این کتاب پروتکل ها و دستورالعمل و به هرحال آن فرمول هایی که این ها برای به لغزش و به فروپاشی کشاندن جوامع غیریهود و غیرصهیونیست دارند، یکی از پروتکل های آن ها این است که گویند: (شما بچه ها را از خانه ها به خیابان ها بکشید ما آن ها را تربیت می کنیم) یعنی بچه در خانه تربیت نشود و او را به خیابان بکشید و اکنون به خیابان کشیدن هم نیازی نیست چرا که با فضای مجازی که همه به گونه ای مبتلا هستیم دیگر لازم نیست بچه ها به خیابان بروند، آن ها وارد خانه ما شدند؛ یعنی پدر و مادر رقیب تربیتی پیدا کرده اند، گوشی کسی است که او را تربیت می کند...

خانواده اولین جایی است که مورد هجوم و مهمترین جایی است که مورد هجوم دستگاه ابلیس واقع می شود و اگر خانواده دچار فروپاشی شود، عرض کردم که سرباز برای دین خدا تربیت نخواهد شد. اگر در خانواده نگاه کنید نکته ای هست. بگذارید نقطه مقابل آن را عرض کنم اینکه شیطان به گسست پیوندهای اجتماعی، پیوندهای خانوادگی، پیوندهای مقدس خیلی همّت می کند و شما از آن طرف ببینید که سفارش دین به این است که این پیوندها را محکم کنید به هرحال خداوند متعال و اولیای الهی می دانند که شیطان کجا را هدف می گیرد و ببینید نقطه مقابل آن را چقدر تأکید کرده اند که این پیوندها را با همدیگر محکم کنید.

شما همه این را می دانید در رساله ها و جاهای دیگر نوشته شده است که نماز در مسجد، اگر تعداد از ۱۰ نفر بیشتر شد دیگر جن و انس نمی توانند ثواب آن را بنویسند. پیغمبر اکرم(ص) حاضر و غایب می کرد که اگر یکی به جماعت نمی رسید، ایشان می پرسیدند که فلانی کجاست؟ نکند که برای او اتفاقی افتاده باشد که نتواند بیاید و ادامه دهد؛ یعنی پیوند با مسجد را نمی گذاشتند قطع شود، پیوند با جمع مؤمنین را پیغمبر نمی گذاشتند قطع شود یا مثلاً فرض کنید به عنوان مثال: در روایات ما است که در دعاها اگر بتوانید جمعی دعا کنید. در اصول کافی باب دعا را ببینید که مثلاً اگر ۴۰ نفر با هم دعا کنند، چقدر خدا به جمع عنایت می کند. امام صادق(ع) می فرماید: «که پدرم حضرت باقر(ع) وقتی حاجتی داشت در خانه، اعضای خانواده را جمع می کرد و می فرمود که من دعا می کنم شما آمین بگویید.» یعنی چند نفری که در خانه هستند با هم جمع شوند، شما در حدیث کساء این را خوانده اید: (مَذْكُرَ خَبْرِنَاهَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ اَهْلِ الْاَرْضِ وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَ مُحَبِّينَا لَا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَ حَقَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ؛ جمعی از شیعیان با همدیگر جمع نمی شوند مگر اینکه رحمت نازل شود، ملائکه بر آن ها وارد می شود برای آن ها استغفار می کنند(جمع من شیعتنا و مُحَبِّینَا) در جمع یک دلسوخته ای است که رحمت خدا را بر همه جمع نازل می کند.

خدا رحمت کند مرحوم رسول تُرک را که سابقه ی خوبی نداشت ولی در عین حال امام حسین(ع) خریدار او شد و زندگی او حسینی شد و در خدمت اهل بیت قرار گرفت و دل سوخته ای بود که در هر مجلسی می نشست آتش میزد از گریه هایی که برای اهل بیت می کرد. مرحوم آیت الله احمد خوانساری که یکی از مراجع بزرگ تقلید بود در تهران، ایشان می گفت: «من دوست دارم مجلسی که رسول در آن است، من هم در آن مجلس باشم، می دانم عنایاتی به آن مجلس می شود.» گاهی اوقات در جمع ها این برکات هست یا مثلاً فرض کنید گفته اند که اگر ۴۰ نفر در تشیع جنازه مؤمنی شرکت کنند خداوند می فرماید: من شهادت شما را قبول کردم، همین که شما می گوئید من بدی ندیدم از این کسی که از دنیا رفته است (قد اجزت شهادتکم و غفرت له ماعملت مما لاتعلمون) و از او می گذرم؛ آن چیزهایی که من می دانم و شما نمی دانید از آن ها می گذرم. ببینید جمع حتی می تواند عذاب را بردارد از فرد حتی کمترین آن .

ما روایاتی داریم از پیغمبر اکرم(ص) به خصوص که سر سفره با هم جمعی بشینید و غذا بخورید(کلوا جميعاً ولا تفرّقوا فإن البرکة مع الجماعة؛ با هم جمع شوید و بخورید.) پیغمبر(ص) فرمود، خداوند متعال می فرماید: من دوست دارم مؤمن و اهل و عیال با هم بنشینند؛ جدا جدا نه، یکی سر سفره برود و دیگری نه، با هم بنشینند(فاذا اجتمعوا علیها) وقتی جمع بشوند سر سفره (نَظَرَالِیْهِمْ بِالرَّحْمَةِ لَهُمْ) خدا نظر رحمت به آنان می کند (فَيَغْفِرُ لَهُمْ قَلِيلًا أَنْ يَتَفَرَّقُوا) قبل از اینکه متفرق شوند، خدا اینان را می بخشد با این که سر سفره ذکر و توسل و قرآن به هر حال نیست و غذا می خورند اما خدا می فرماید همین که جمعی با هم هستید من این جمع رادوست دارم.

خدا رحمت کند حضرت امام را، خانواده ایشان می گفتند: (وقتی که امام سر سفره می نشست به بچه ها هم می گفت که غذا نخورید تا مادر شما هم بیاید و با هم باشیم.) این ها توصیه های دین است برای اینکه این پیوندها و تجمعات مؤمنین با همدیگر محکم شود به خصوص دو پیوند که شیطان آن ها را مورد حمله قرار می دهد: یکی پیوند خانوادگی و یکی پیوند مؤمنین با ولی الهی، رهبر الهی که این ها حساس ترین پیوندها است. خانواده را عرض کردم که اگر مورد هجوم قرار گیرد به هر حال دینداری در جامعه به خطر می افتد و انسان های الهی تربیت نمی شوند و از این جهت طبیعی است، خانواده مکان بسیار مقدسی است من به خصوص به شما خواهران بزرگوار این را خیلی جاها عرض کرده ام که اگر ما سه واژه را در رابطه با خانه و خانواده را قبول کنیم، جور دیگری در خانه و خانواده خواهیم بود و رفتار ما عوض می شود و اصلاً نگاه ما عوض می شود؛ یکی اینکه باور کنیم خانه محل عبادت است، خانواده محل عبادت است پس خانه و خانواده (۱) محل عبادت است (۲) محل ریاضت (۳) محل تربیت است.

محل عبادت است، عبادتی را می توان در خانه و خانواده انجام داد که در هیچ جای دیگر نمی توان، با ساده ترین کارها. انبوهی از روایات در این زمینه داریم که شما در خانه اگر می خواهید کارهای خیلی ساده انجام دهید چه ثواب هایی برای شما نوشته می شود، در روایت است که ظاهراً امام صادق(ع) نقل کرده اند از پیغمبر اکرم که: هیچ زنی نیست که یک ظرف آب دست همسر خود دهد (الا کان خیراً لها من عبادة فالف سنه) از عبادت هزار سال که (صیام نهارا و قیام لیلها) که روزها روزه دار و شب زنده دار باشد. برای او بهتر است یک

ظرف آب که نشانه صمیمیت و محبت و... که من به فکر تو هستم و نقطه مقابل آن پیامبر فرمود: اگر مردی یک ساعت خود را در خدمت خانواده قرار دهد (کان خیراً له من عبادۀ سنه) از عبادت یکسال برای او بهتر است. باز در روایت هست که از وجود مقدس پیغمبر اکرم(ص): «جَلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدٍ هَذَا» زن و مرد با هم بنشینند درد و دل کنند، حرف بزنند، بگو بخند داشته باشند این از اعتکاف در مسجد من پیغمبر بهتر است.

امام رضا(ع) فرمود: «اگر کسی برای یکی از محارم، برای همسر، مادر، خواهر، دختر خود یک هدیه یا چیزی بگیرد که او را خوشحال کند خداتضمین کرده است که (فرحوالله یوم القیامه) او را روز قیامت خوشحال کند.» به پیغمبر گفتند خانمی هست که وقتی شوهر او به خانه می آید، زن به استقبال او می رود با لبخند سلام می کند و زمان رفتن به بدرقه او می رود و این یک صمیمیتی در خانه ایجاد کرده است، به هر حال محور آرامش در خانه زن است. پیغمبر فرمود: (ان لله عمالا و هذه من عماله لها نصف اجر شهید) خداوند متعال کارگزارانی در زمین و در دنیا دارد که یکی از کارگزاران خدا و مأمورین خدا این زن است که اینگونه برخورد می کند و نصف اجر شهید را دارد.

ببینید ثواب هایی در خانه و خانواده است که جای دیگر گیر نمی آید، در هیچ معبدی گیر نمی آید و اصلاً خانه می شود یک معبد، یک عبادتگاه و عرض کنم که محور این عبادتگاه زن است، بدون تردید محور خانواده، خانه زن است، زن خانه دار. برخلاف آن چیزی که الان متاسفانه در فرهنگ غرب و نفوذی که در فرهنگ ما و بچه های ما شده است، خانه دار بودن را کسر شأن می دانند و شأن آن را پایین آورده اند، خانه یک معبد است که محور آن زن است و بسیار ارزشمند است.

خدا رحمت کند امام را، به عروس خود گفتند: حاضری معامله ای با من کنید؟ او گفت: چیه چیزی؟ امام فرمود: حاضری من ثواب تمام عبادت های مستحب عمر خود را به تو بدهم، تو ثواب یک شب بچه داری، بیدار ماندن و بچه داری را به من بدهی؟ چون من اگر عمری عبادت کردم، برای خودم عبادت کردم اما تو آن شبی که بیدار ماندی و بچه را نگه داری کردی برای دیگری بود، برای خودت نبود.

خیلی ارزشمند است، خانه محل عبادت است، معبد است و به خاطر همین هم طلاق انقدر مغبوض است چون این معبد خراب می شود. تا جایی که امکان پذیر است حالا زمانی هست واقعاً با هم تفاهمی، سازشی ندارند، خانه تبدیل به جهنم شده است که خدا نکند چنین چیزی پیش آید.

خانه محل محل ریاضت است به زبان کسانی که اهل سیر و سلوک و اهل مسائل معنوی هستند. شخصی می گفت از علامه طباطبایی سوال کردم: حاج آقا نسخه ی سیر و سلوک به ما دهید. علامه فرمودند: شمامجردی یا متاهل؟ گفت: آقا مگر فرقی می کند؟ ایشان فرمودند: بله! به هرحال چیزهایی برای مجرد عبادت است و باعث قرب او می شود که برای متاهل نه! اینجا شرایط شما هم فرق می کند. او گفت: حاج آقا من متاهل هستم، علامه طباطبایی فرمودند: نسخه سیر و سلوک شما این است که در خانه مدارا کنید، گذشت داشته باشید، صبور باشید، آرامش و صمیمیت در خانه ایجاد کنید. درود خدا بر فیلسوف فقیه و عارف و دین شناسی که می داند چگونه نسخه پیچد...

و واقعاً هم همین است، ریاضت یعنی پا روی نفس گذاشتن، بتواند آنچه را که دل می خواهد انجام ندهد. یک گوشه نشستن و ذکر گفتن و سجده کردن این ریاضت است؟ یا در خانه به هرحال یک مشاجره ای درست می شود صبر این ارزشمند است؟

خداوند رحمت کند علامه محمد تقی جعفری این فیلسوف اهل بیت را، ایشان می گفت: یکجا خدا به من خیلی چیزها داد و آن زمانی بود که در خانه مشاجره ای با خانم پیدا کردم همین که صدا داشت بلند می شد، در دل گفتم: بابا ما آدم هستیم، درنده که نیستیم که همدیگر را بدریم. یک لحظه این را در دل گفتم و خم شدم دست خانم را بوسیدم و خانم هم یک مرتبه خیلی تعجب کرد که این اتفاق افتاد! شیطان در این زمان ها است که می گوید: کوتاه نیایی که اگر چنین کنید او پرو می شود و... به هرحال در مشاجره و دعوا باید یکی کوتاه بیاید و الا اگر همچنان این توپخانه ها علیه هم کار کنند خانه تبدیل به میدان جنگ می شود.

اگر ما این ریاضت را در خانه انجام دهیم، مدارا و گذشت و صبور بودن و... یک اتفاق عجیب در خانه از جهت تربیتی رخ می دهد! همه ما می دانیم در خانواده های مذهبی گاه بچه هایی هستند که مذهبی بار نمی آیند،

اهل نماز نیستند، اهل روزه نیستند، دخترخانم اهل حجاب نیست با اینکه پدر و مادر خیلی مذهبی هستند یک دلیل این است؛ ببینید بچه های ما تا وقتی کوچک هستند طبیعتاً الگوی این ها پدر و مادر است چون پدر و مادر را دوست دارند، کارها و رفتارهای آن ها را تقلید می کنند؛ چون آنان را دوست دارند، دوست داشتنی های پدر و مادر را هم دوست دارند وقتی پدر و مادر نماز می خوانند، وقتی پدر و مادر مسجد می روند وقتی مادر حجاب دارد، دختر بچه، چون مادر را دوست دارد او نیز چادر می کند یا مثلاً جانماز قرار می دهد و نماز می خواند. پسردنبال پدر به مسجد می رود، نماز را دوست دارد چون پدر خود را دوست دارد، تقلیدی این کارها را انجام می دهد.

گاهی اوقات ماخیال می کنیم تمام شد و بچه ما خیلی خوب است و خیلی هم ذوق می کنیم با اینکه خیر! هنوز تموم نشده است ما فعلاً با عمل این را به بچه یاد داده ایم که آن چیزهایی که دوست داریم را عمل می کنیم، من پدر یا من مادر نماز را دوست دارم، هیئت را دوست دارم، مسجد را دوست دارم، روضه را دوست دارم و حجاب را دوست دارم و به آن عمل می کنم و فعلاً عمل به دوست داشتنی ها را به بچه یاد داده ایم ولی به بچه یاد نداده ایم آن چیزی که خوب نیست، آن چیزی که هوا و هوس است، پا روی آن بگذار، مقاومت کن در مقابل آن و... این را به او یاد نداده ایم، بچه وقتی بزرگ می شود و به سن بلوغ می رسد کم دوست داشتنی های دیگری درزندگی و وجود او رشد می کند دوست دارد با دوستان همسال خود با آن ها بیشتر باشد، بازی کند، دوست دارد با موبایل خود، با کامپیوتر خود همراه باشد حتی به جنس مخالف علاقه پیدا می کند، دوست دارد موسیقی گوش دهد، ما با عمل خود به او یاد داده بودیم که به دوست داشتنی ها عمل کن، یاد نداده بودیم که چیزهایی که هوا و هوس است پای روی آن ها بگذار.

مهمترین نقطه تربیت این است که آدم مهمترین عامل بی تربیتی را از بین ببرد، مهمترین عامل بی تربیتی هوا و هوس است، مقاومت در مقابل آن ها است، این را به بچه ها یاد نداده بودیم. بعضی از پدر و مادرها، همان هایی که اهل ریاضت هستند، همان هایی که اهل صبر هستند در خانه، آن ها این را هم یاد می دهند مثلاً ببینید در خانه ی مادر کلی شب مهمان دارد، او بلند شده است و کلی زحمت کشیده، غذا درست کرده، خانه را مرتب کرده است و مشکلات و ... شب پدر به خانه می آید و با بهانه ای شروع به داد و بیداد می کند

و...بچه می بیند و می فهمد که مادر چقدر زحمت کشیده است و می داند که مادر الان چقدر عصبانی است که پدر با او اینگونه رفتار می کند، حالا اگر همین زمان مادر چیزی نگوید و این ریاضت و مهار نفس کشیدن را عملی کند، پا روی نفس خود بگذارد، سکوت کند بلکه یک لبخندی هم بزند حتی پشت سر پدر هم بد و بیراه نگوید و سکوت کند این از صد کلاس اخلاق برای بچه بهتر است، بچه یاد می گیرد که زمان عصبانیت پای روی نفس خود بگذارد، آن چیزی که دل می خواهد را انجام ندهد، مادر خیلی میخواست که داد کشد اما پا روی نفس خود گذاشت، این پا روی نفس گذاشتن را به بچه یاد دهیم یا پدر در خیابان دست به دست بچه راه می رود در همان لحظه ماشینی عبور و آب روی لباس او می ریزد و عبور می کند، پدر با اینکه خیلی عصبانی است چون لباس های او کثیف شده است اما چیزی نمی گوید، پا روی نفس گذارد یعنی بد و بیراه نگوید این از صد درس اخلاق برای بچه بهتر است، بچه می فهمد جایی که یک اتفاق ناخوشایند پیش آمد بتواند پا روی نفس بگذارد، جایی که هوا و هوس آدم، میل آدم این است که کاری را انجام دهد پا روی میل بگذارد این را یاد می گیرد برخلاف پدر و مادر که ترمز کردن و پاروی نفس گذاشتن را به بچه یاد نداده است، وقتی این بچه بزرگ می شود می گوید: پدر یا مادر تو نماز را دوست داشتی و انجام دادی، روزه را دوست داشتی و گرفتی، مسجد را دوست داشتی و رفتی، حجاب را دوست داشتی و... به دوست داشتنی ها عمل کردی و من هم به دوست داشتنی ها عمل می کنم و من الان بالغ شده ام موسیقی را دوست دارم، دوست دارم با گوشی بازی کنم، دوست دارم با جنس مخالف رابطه داشته باشم یعنی تو به من یاد دادی به دوست داشتنی ها عمل کن، یاد ندادی که پا روی هوس بگذار، مقاومت را به من یاد ندادی! لذا اگر پدر و مادر در خانه اهل ریاضت باشند، ریاضت به معنای اینکه پا روی نفس بگذارند، هرجا عصبانی شدند داد و بیداد نکنند، صبور باشند بتوانند این کار را کنند این عامل تربیتی بزرگی است، خانه محل عبادت، خانه محل ریاضت و سومی که خانه محل تربیت است.

خانه محل تربیت است؛ فوری به ذهن می آید که معلوم است که خانه محل تربیت بچه ها است. نه! خانه قبل از اینکه محل تربیت بچه ها باشد محل تربیت بزرگترها است. در روایت امام صادق فرمود: اگر می خواهی با کسی رفیق شوی او را در سه جا امتحان کن؛ یکی در مسافرت، در مسافرت هرچقدر طرف فیلم بازی کند

و ظاهرسازی کند در اینجا خود را نشان می دهد. دوم اینکه در مسائل مالی آدم ها خود را نشان می دهند و یکی هم در عصبانیت، در عصبانیت عقل کار نمی کند و صفات باطنی بیرون می ریزد، امام صادق (ع) فرمودند: اگر خواستی شخصیت کسی را بشناسید در سه جا بشناس...

من این را برای چه چیزی گفتم؟ این را برای این گفتم که هر سه چیز و هر سه جا در خانه و خانواده برای ما پیش می آید، خودت را بشناس یعنی در خانه، خانواده، مسافرت پیش می آید خود را بشناس. غضب و عصبانیت پیش می آید خود را بشناس، مسائل مالی پیش می آید خود را بشناس خیلی از ما خود را تا زمانی که متاهل نبودیم نمی شناختیم فکر می کردیم خیلی آدم های خوبی هستیم؛ خیلی دست و دل باز هستیم، خیلی سخاوتمند هستیم ولی به یکباره در زندگی متاهلانه با خود می گوئید: که من فکر نمی کردم که انقدر خسیس هستم، اصلاً نمی خواهم برای خانواده خرج کنم یا مثلاً فرض کنید در عصبانیت، فردی که خیلی مؤدب بود یک مرتبه هرچه از دهن او بیرون آمد را گفت در اینجا آدم خود را می شناسد که من چقدر ضعیف بودم. من وقتی مجرد بودم نمی دانستم انقدر ضعیف النفس هستم، نمی دانستم انقدر عصبی مزاج هستم، نمی دانستم انقدر سوء ظن دارم، نمی دانستم که به هر حال انقدر کینه ای هستم و... ببینید این ها در زندگی متاهلانه پیش می آید وقتی آدم خود را بشناسد مداوا می کند، نگذار به آخرت همیشه مداوا کن با هر زحمتی که شده است.

یکی از راه هایی که عملاً برای کار تربیتی یک کار خیلی راهبردی و یک راه قابل تمرینی است که بزرگان ما هم به آن عمل می کردند این است که نذر کنند، نذر مجازات کنند مثلاً فرض کنید کسانی هستند که خیلی عصبی هستند، کسانی هستند خیلی دروغ می گویند، کسانی هستند که خیلی غیبت می کنند، خودش هم می داند که چنین است و خیلی دروغ می گوید یا چشم ناپاک دارد و یا می فهمد این زبان او را به جهنم می برد اما نمی تواند و زور او نمی رسد. یکی از بهترین کارها نذر مجازات است در مدت کوتاه یعنی یک روز نذر کنم، نذر شرعی (لله علیه) به خاطر خدا برگردن من است در طول یک روز اگر من عصبانی شدم، اگر دروغ گفتم، اگر غیبت کردم و... خود را مجازات کنم مثلاً یک وعده غذا نخورم یا یک روز روزه بگیرم یعنی یک مجازاتی را برای خود قرار دهد که بازدارنده باشد، بترسد از آن و چون نذر واجب است اگر آدم تخلف کند به

گردن او واجب می شود خیلی مراقب است، این اراده را قوی می کند این باعث می شود در طول یک روز مراقب است آن گناه را انجام ندهد؛ مراقبه را هم کوتاه بگیرید که آدم بتواند انجام دهد. یک روز وقتی موفق شد باز یک روز دیگر تکرار کند و همین جور... یک روز یک روز جلو برود تا ۴۰ روز و آن زمان آدم می تواند خود را کنترل کند، قدرت پیدا می کند.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله بروجردی هروقت عصبانی می شدند و از این صفت بدشان می آمد نذر کردند یکسال روزه بگیرند و یک مرتبه هم اتفاقاً چنین شد و در کلاس درس عصبانی شد بعد یکسال روز گرفت غیر از ماه رمضان که واجب است و روز عید فطر و قربان که حرام هست، یکسال روزه گرفتند مقصود اینکه آدم وقتی در خانه خود را شناخت، هر جور شده خود را تربیت می کند خانه اولاً محل تربیت بزرگترها است بعد محل تربیت بچه ها است. مهمترین عامل در تربیت بچه ها این است که ابتدا خود عامل باشیم به آن چیزی که دوست داریم بچه های ما باشند و ثانیاً با بچه های خود رفیق شویم.

به طور کلی جمع بندی کنم صمیمیت در خانه اگر حفظ شود، پیوندهای خانواده اگر حفظ شود بچه ها درست و سالم تربیت می شوند، سرباز برای دین خدا تربیت می شوند این یکی از جاهایی است که خدا دوست دارد. خانواده محبوب خدا است (و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا)

اصلاً خدا از آیات الهی تشکیل خانواده را می داند و در روایات هست یکی از چهار جایی که رحمت نازل می شود آن زمانی است که ازدواج و تشکیل خانواده است که خدا رحمت را نازل می کند. این یک پیوند است و یک پیوند دیگر که من فقط به آن اشاره کنم، پیوند دوم که عرض کردم شیطان مورد هجوم قرار داده است، پیوند با ولی خدا بارهبر الهی است، شیطان می داند که اگر پیوند یک مسلمان و ولی خدا قطع شود دیگر هیچ رشدی صورت نمی گیرد انسان باید خود را به موجود برتر و انسان برتر متصل کند تا استعدادهای او شکوفا شود و به فعلیت برسد، انسان برتر امام است، انسان برتر معصوم است اگر ما خود را به انسان برتر متصل کردیم شکوفا می شویم، موجود پایین تر وقتی خود را به موجود بالاتر بسپارد و تسلیم کند رشد می کند.

شما نگاه کنید وقتی غذا وارد بدن مؤمن می شود از کانال مؤمن تبدیل به ذکر می شود، تبدیل به نماز می شود و بالا می رود و به ملکوت می رسد. غذا که از جمادات است وقتی خود رامی سپارد به یک مؤمن، او را به ملکوت می رساند و او را رشد می دهد. موجود پایین تر این است، امام موجود برتری است که ما اگر خود را در اختیار او قرار دهیم استعدادهای ما را شکوفا می کند لذا در قرآن دستور داده (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین) تقوا داشته باشید و جای دیگر نروید و در معیت کسانی باشید که برعهد خود با خدا صادقانه ایستاده اند و همه ی وجود آن ها صدق است؛ گفتار، رفتار، خصلت، جهت گیری و همه چیز آن ها صدق است که همان معصومین باشند که خدا دستور داده است در معیت این ها باشید، پیوند با این ها داشته باشید پس طبیعی است که شیطان این پیوند را بزند.

پیوند با ولی ولایی باعث می شود انسان رشد کند. در زمان ظهور و در زمان وجود مقدس امام زمان (عج) دلیل اینکه انسان های زمان ظهور انسان های رشد یافته ای هستند و به صورت جهشی عقل و معنویت و اخلاق و علم و عدالت و امنیت آن ها در جامعه به صورت جهشی رشد می کند همین است؛ که خود و جامعه را سپرده به ولی خدا و درواقع کمالات آن ولی خدا در یاران خود و در جامعه جلوه می کند و همه یک مرتبه رشد می کنند این اتفاقی است که باید به سمت آن برویم.

الحمدالله بعد از انقلاب یک اتفاقی که افتاد و این محصول انقلاب و دستاورد بزرگ امام راحل بود از این انقلاب تلقی شیعه را، آن درک ما و آن نگاه ما شیعیان را اول در ایران و بعد جاهای دیگر از ولایت رشد داد، ارتقاء داد پیوند ما با ولی را برای آن، معنای بلندتری در نگاه ما ایجاد کرد.

ما تا قبل از انقلاب ولایت را و تولی و تبری را به عشق اهل بیت، ارادت داشتن به آن ها، محبت داشتن به آن ها در مجلس آن ها، در عزای آن ها در شادی آن ها و اسم اهل بیت را بر بچه های خود قرار دادن در همین حد بود و به تعبیری تولی و تبری در حد تولی و تبری قلبی و رفتارهای فردی بود اما بعد از انقلاب اتفاقی که افتاد این بود که شیعه رسید به مرحله ولایت اجتماعی ؛ یعنی مؤمنین دور ولی خدا جمع شوند و یک قدرت تشکیل دهند. ما قبل از انقلاب ولایت داشتیم اما ولایت فردی، ولی جامعه طاغوت بود یعنی سرپرستی جامعه

را و مناسبت های اجتماعی را و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی را طاغوت و بیگانگان بودند که مقدرات ما را و سبک زندگی ما را رقم می زدند. ولایت فردی بود ولی زیر پرچم طاغوت دینداری می کردیم این خیلی نکته است بعد از انقلاب این تغییر رخ داد که شیعه رسید به ولایت اجتماعی، رسید به اینکه مناسبت های جامعه را باید یک رهبر الهی رقم بزند البته هنوز مسلم نرسیده ایم به هر حال نه رسیده ایم به دولت اسلامی، نه رسیده ایم به جامعه اسلامی تا چه برسد به تمدن اسلامی.

به هر حال اولین قدم که یک اسکلتی مثل خانه ای که می خواهند درست کنند فعلاً یک اسکلت بندی است در حد یک نظام ولایی که محور آن ولی خدا است. دیگر طاغوتی که بدون مشروب شب ها نمی توانست بخوابد و به هر حال آدم فاسدی بود او مقدرات را رقم نمی زند، یک فرد الهی، صالح و فقیه، دین شناس، مدیر و مدبر در رأس قرار می گیرد این اتفاق بسیار بزرگی است. مؤمنین حکم او را حکم امام زمان می دانند به عنوان نایب امام زمان به او نگاه می کنند، تسلیم او هستند، ولایت مداری و ولایت محوری را در سطح اجتماع و مدیریت جامعه تمرین می کنند این آخرین مرحله قبل از ظهور است چون ببینید وقتی امام زمان تشریف بیارند اینگونه نیست که یک گوشه بنشینند و ما فقط به ایشان بگوییم مخلصیم، خیلی دوست داریم، کنار امام زمان بنشینیم و اشک بریزیم این فقط که نیست زمانی که حضرت ولی عصر بیایند و مدیریت جهانی را، مدیریت جامع را به عهده بگیرد ما باید تسلیم در مدیریت های اجتماعی ایشان باشیم در مدیریت های کلان ایشان باشیم این باید یکجا تمرین شود، این ولایت محوری باید تمرین شود در سطح ولایت اجتماعی و این اتفاق با انقلاب رخ داد که نایب امام زمان که به عنوان مقدمه ای است برای او، یک فرد صالح و پاکی است البته عرض کردم متأسفانه هنوز اینگونه نیست که اراده ولی در همه جامعه جاری باشد ولی متدینین با او این رابطه را برقرار می کنند و این خیلی ارزشمند هست اگر این ولایت اجتماعی تسری پیدا کند، اگر کم کم گسترش پیدا کند در شیعیان، شیعه آن آمادگی را پیدا می کند که با هم حول محور ولایت، همدلی و پیوند با هم داشته باشند و این اتفاق در زمان اول انقلاب رخ داد، در جنگ رخ داد.

در حوادث بزرگ انقلاب که حوادث سنگینی بود شیرازه جمع ما از هم نپاشید چون ولی جامعه مثل یک نخ تسبیح همه ی جامعه را حفظ می کرد این باید برقرار بماند و هرچه محکم تر شود مقدمه ی آمدن حضرت ولی عصر است در آخرین آیه سوره آل عمران خدا می فرماید:

(یا ایهاالذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا) صبر کنید هم صبرفردی در بلاها، در انجام واجبات، در ترک محرمات در مشکلات (وصابروا) هم صبر اجتماعی داشته باشید، پیوندهای اجتماعی را نگه دارید و استقامت کنید و نگذارید از هم پاشیده شود. پیوندهای اجتماعی که عرض کردم: پیوندهای خانوادگی، فامیلی، پیوند مؤمنین با همدیگر (ورابطوا) در روایات هست (ورابطوا علی الائمة) یا (ورابطوا امامکم المنتظر) و سومین مرحله؛ ارتباط و پیوند با ولی جامعه را محکم کنید.

آخر جلسه است و ایام محرم هست امام حسین(ع) و دستگاه سیدالشهداء و عاشورای امام حسینی یکی از جاهایی است که پیوندهای مؤمنین حول محور ولایت را خیلی تقویت می کند؛ یعنی شما نگاه کنید با امام حسین(ع) است که مؤمنین دور هم جمع می شوند، در طول تاریخ اینگونه بوده که شیعه در سختترین لحظات و دوران ها، زمان متوکل ها تا زمان رضاخان هایی که مجالس را از بین می برده است این ها مخفیانه دور هم جمع می شدند به خاطر امام حسین(ع)؛ یعنی حول محور ولایت تا زمان خود ما. شما ببینید که اتفاقی که در سال های گذشته در عاشوراها رخ داد که هر سال محکم تر و قوی تر تا اربعین که دیگه نباید گفت راهپیمایی اربعین! نهضت اربعین رخ داد، قیام اربعین رخ داد؛ یعنی یک مانور شیعی در کل جهان که نمونه ندارد که همه دور هم، حول محور ولایت با هم مهربان می شوند و با هم یکی می شوند در آنجا دیگر مقام و مرتبه نیست؛ بالاترین آدم ها و پایین ترین آدم ها کنار همدیگر هستند و حول محور ولایت همه با هم همدل می شوند، همدلی را با هم تمرین می کنند.

خدا رحمت کند آیت الله قزوینی را، که چندین سال پیش از دنیا رفت، ایشان کتاب های زیادی هم دارند می فرماید: من روایتی دیدم که در آخرالزمان کربلا قبله می شود من نمی فهمم این یعنی چه؟

ایشان اگر زنده می بود و زمان ما اربعین را می دید معنای آن روایت را متوجه می شد. کربلا قبله می شود نه اینکه مردم نماز خود را به سمت کربلا می خوانند. نه! قبله دل ها است یعنی همه ی دل ها را به خود جذب می کند.

در یکی از راهپیمایی ها یک کشیش مسیحی آمده بود یکی از آقایان به ایشان گفته بود : شما برای چی می آیید؟ ایشان گفته بود که پیغمبر ما و شما دوتا است، پیغمبر شما حضرت محمد(ص) پیغمبر ما حضرت عیسی اما حسین(ع) مال همه ی ماست. ببینید این نکته ای است که حول محور سیدالشهداء(ع) تجمع مؤمنین رخ می دهد و همین تجمع به همدلی و همدلی مؤمنین به ظهور می کشاند که ما روایت داریم در توقیع شریف امام زمان به شیخ مفید است که اگر شیعیان با هم همدل می شدند(ولو أن اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی الاجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن) اگر شیعیان با هم همدل می شدند در وفای به عهد با ما اهل بیت(لما تأخر) دیگر ظهور تاخیر نمی افتاد.

انشاءالله که بتوانیم پیوندهای خودمان؛ مومنین با هم، پیوندهای خانوادگی و به خصوص پیوند خود با ولی خدا را حفظ کنیم این ایام پیوند مؤمنین با سیدالشهداء را محکم کنیم که پیوند با ولایت است تا انشاءالله با همدلی بیشتر مقدمه ظهور حضرت ولی عصر(عج) شویم.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ وَ عَلَی الْاَرَوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَیْكَ مَنِّی سَلَامُ اللهِ اَبَدًا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللهُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مَنِّی لِزِیَارَتِکُمْ السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ وَ رَحِمَهُ اللهُ وَ بَرَکَاتُهُ.